



وقایع آزمونهای الهی در قرآن و عهدین و انعکاس آن در مصورسازی متون دینی

اسلام سالاری^۱، سعید عباسی نیا^۲، هادی رزاقی هرینکده ئی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. salari.m22@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. dr.s.abbasinya@iauabadan.ac.ir

^۳ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل Razaghi@nit.ac.ir

چکیده

هر مذهبی دارای نظام معنای خاص خویش است که براساس آن نظام به داوری اخلاقی می‌پردازد و باید و نیاید های فردی و اجتماعی را تقویت می‌کند. سنت آزمون الهی از سنن قطعی و حتمی خداوند است که ذات و جوهره‌ی انسان‌ها را به تکاپو می‌کشد و او را از حسیض خاک به اوج افلاک می‌رساند. قوه و استعداد درونی انسان را به فعلیت می‌رساند؛ از این‌رو زمینه‌ساز ظهور افعال و نیات درونی بندگان است؛ این سنت عام و همگانی مختص قشر خاصی نیست، بلکه در همه افراد بشر جریان دارد اما شکل و ابزار آن متفاوت است. از آنجایی که سنت امتحان به پیروان دین خاصی اختصاص ندارد. مسئله‌ای که اینجا طرح می‌گردد چگونگی سنت ابتلا در قرآن و عهدین قوم بنی اسرائیل است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است و به شیوه تطبیقی به بررسی این سنت در قوم بنی‌اسرائیل در قرآن و عهدین پرداخته و مستندات مربوط به فلسفه آزمایش، ابزار از جمله با نهر آب، با ممنوع کردن صید در روز سبت، با کشتن پسران و اسیر کردن زنان با مال و فرزند و ... با تحلیل و توصیف بیان کرده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که سنت ابتلا در قرآن به عنوان کتاب آسمانی دین اسلام و در عهدین قوم بنی اسرائیل وجود دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی وقایع آزمون‌های الهی در قرآن و عهدین.

۲. بررسی بازتاب وقایع آزمون‌های الهی در قرآن و عهدین در مصورسازی متون دینی.

سوالات پژوهش:

۱. وقایع آزمون‌های الهی در قرآن و عهدین چگونه آمده است؟

۲. وقایع آزمون‌های الهی در قرآن و عهدین چه بازتابی در مصورسازی متون دینی داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۰

دوره ۱۷

صفحه ۱۹۱ الی ۲۰۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

سنت الهی،

قرآن،

عهدین،

آزمون‌های الهی،

بنی اسرائیل.

ارجاع به این مقاله

سالاری، اسلام، عباسی‌نیا، سعید، رزاقی

هرینکده ئی، هادی. (۱۳۹۹). وقایع

آزمون‌های الهی در قرآن و عهدین و

انعکاس آن در مصورسازی متون دینی.

هنر اسلامی، ۱۷ (۴۰)، ۲۰۸-۱۹۱.



[dori.net/dor/20.1001.11
.735708.1399.17.40.11.1/](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.259102.1454)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2021.259102.1454/](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.259102.1454)

مقدمه

در ادیان مختلف قوانین الهی متعددی وجود دارد. سنن آزمون های الهی یکی از قوانین مستمر و فراگیری است که خداوند متعال بر اساس آن ها نظام هستی را ایجاد فرموده و نسبت ها و روابط متقابل آن را تنظیم نموده است. یکی از این سنت های عام و فراگیر الهی نسبت به فرد و اجتماع، ابتلاء و آزمایش است. شناخت این سنت نقش بزرگی در بینش انسان به زندگی دارد. امتحان الهی در قرآن و روایات بسیار تأکید شده است؛ به گونه ای که دنیا را سرای امتحان معرفی می کنند زیرا نظام حیات، نظام تکامل است. همچنین اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که انسان به هدف آفرینش خود، یعنی تقرب به خدا و بندگی او نایل شود. برای رسیدن به این هدف، او را مختار و آزاد آفریده تا با افعال و اعمال اختیاری خود، به کمال رسد. و قوه و استعداد درونی انسان به فعلیت برسد؛ بنابراین برای نیل به این هدف بزرگ، وسایل و ابزار آن را نیز فراهم کرده است، یکی از اصلی ترین ابزار، آزمایش انسان با سختی ها و ناملایمات، راحتی ها و خوشی ها و... است. آدمی برای رسیدن به کمال خود، باید از مسیرهای گوناگون عبور کند و آزمایش های زیادی را پشت سرگذارد تا ایمان واقعی و ادعایی او، هم بر خود و هم بر دیگران آشکار گردد. فتنه و امتحان سنت جاری ما است که در امت های قبل از ایشان نیز جاری کردیم، و تو هرگز تبدیل و دگرگونی در سنت ما نخواهی یافت. مراد از این که می فرماید: تا خداوند بداند که چه کسانی راست می گویند و چه کسانی دروغ گویند، این است که: آثار صدق و کذب آنان به وسیله امتحان در مقام عمل ظاهر شود؛ چون امتحان است که باطن انسان ها را ظاهر می کند و لازمه این ظهور این است که آنهایی که ایمان واقعی دارند، ایمانشان پای برجای تر شود و آن ها که ایمانشان صرف ادعا است همان صرف ادعا هم باطل گردد. بنابراین این نمونه ها نشان دهنده ای این است که در تورات و انجیل خداوند بارها قوم یهود را مورد آزمایش قرار داده است. از آن جایی که از نظر یهود مقدرات خداوند برای بشر ناشناخته است و انسان توانایی درک مشیت های الهی را ندارد؛ بنابراین ما در اینجا به دنبال ماهیت و چیستی سنت آزمایش نیستیم، بلکه به بررسی وقایع آزمون های الهی در قرآن و عهدین و بازتاب آن در مصورسازی آن در متون دینی خواهیم پرداخت.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت با توجه به بررسی های انجام گرفته کتابی که به طور مستقل به این موضوع بپردازد یافت نشد، تنها یک کتاب در باب سنت امتحان نوشته شده «سنت امتحان در زندگی انسان، غفاری، ابوالحسن، ۱۳۸۵» که آن هم به سنت امتحان در دین اسلام پرداخته است. همچنین مقالاتی در زمینه سنت امتحان نوشته شده که آن ها هم به سنت امتحان از دیدگاه قرآن پرداخته اند «ابتلا در قرآن و حدیث، پیروزفر، سهیلا، ۱۳۷۸؛ ابتلا و آزمایش در قرآن، پاکزاد، عبدالعلی، ۱۳۸۷» و یا مقالاتی که در باب سنت های الهی نوشته شده به اختصار در باب سنت امتحان و ابتلا در قرآن مطالبی آورده شده است. پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی سنت امتحان در قرآن و عهدین پرداخته و بیشتر این سنت را در قوم بنی اسرائیل مورد بررسی قرار داده که از این حیث در خور توجه است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای در صدد واکاوی سنت ابتلا در قرآن و عهدین یهود است.

۱. آزمایش الهی در قرآن

درخصوص واژگان به کار رفته در قرآن با معنای آزمایش الهی باید گفت در معانی آمده است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ...» (انسان: ۲) «ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزماییم...» یا «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ...» (ملک: ۲) «کسی که موت و حیات را آفریده تا شما را بیازماید». ابتلاء: از ریشه بَلُو یا بَلَى به معنای امتحان است که با توجه به معنای قدمت، کهنگی و فرسودگی (شرتونی، ۱۳۶۱، ذیل ماده بلی) ریشه آن بیشتر در امور مدت‌دار تحقق می‌یابد و در مواردی که با مصیبت‌ها و مکاره و مشقت‌ها همراه باشد به کار می‌رود (عسکری، ۱۴۱۲: ۱۰)، گرچه به آن موارد اختصاص نداشته درباره نعمت نیز استعمال می‌شود. (معلوف، ۱۴۰۶: ۴۹). اِبْتِلَاءٌ [بلی] ه: او را آزمایش کرد، - الشیء: آن چیز را دانست و شناخت. اِبْتِلَاءٌ: آزمون، آزمایش، امتحان. (مهیار، بی‌تا، ص ۵) (بلا) قوله تعالی: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ» اراد به الاختبار و الامتحان (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۶۰). اَنْ اختبار الله تعالی للعباد تارة بالمسار ليشكروا، و تارة بالمضار ليصبروا، فصارت المحنة و المنحة جميعا بلاء، فالمحنة مقتضية للصبر، و المنحة مقتضية للشكر. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۴۵) تکالیف، آزمون‌هایی الهی است. این آزمون‌ها گاه، مسرت و سرور به دنبال دارد تا بندگان، سپاس‌گزارند؛ گاه ضرر و زیان در پی دارد، تا پایداری، صبر و شکیبایی پیشه کنند.

المحن یکی از واژگانی است که در قرآن به معنای آزمایش آمده است. المَحْنُ و الامتحان نحو الابتلاء، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۷۶۲). امتحان از ریشه "محن" به معنای ابتلاء و آزمایش. «امْتَحَنَتُ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ إِذَا أَذْبَتَهُمَا لِتَخْتَبِرَهُمَا حَتَّى خَلَصَتِ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ» یعنی طلا را در آتش قرار دادم تا آزمایش شده و خالص شود (ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴: ۱۳/ ۴۰۱). به گفته برخی تصفیه و تلخیص از آثار و لوازم امتحان است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱/ ۴۳) امتحان در لغت به معنای آزمودن است (جوهری، ۱۳۷۶: ۱/ ۲۲۰). «إِنَّ الَّذِينَ يَعْصُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (حجرات: ۳) «به درستی آنان که صوت خود را در برابر رسول خدا آهسته برمی‌آورند؛ کسانی‌اند که خدا دل‌هایشان را برای تقوی بیازموده، ایشان مغفرت و اجر عظیم دارند». ابتلا از ریشه «بلی» به معنای کهنه شدن است. امتحان را از آن جهت ابتلا گویند که گویا «ممتحن»، امتحان شونده را از کثرت امتحان کهنه می‌کند. به غم و اندوه را به آن سبب بلا گویند که بدن را کهنه و فرسوده می‌کند (قرشی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۲۹). «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ* وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (عنکبوت: ۲ و ۳). «آیا مردم گمان کرده‌اند به صرف این‌که بگویند ایمان آورده‌ایم رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؟! * با این‌که ما کسانی را که قبل از ایشان بودند بیازمودیم».

الفتنة نیز از واژگانی است که در قرآن برای آزمایش استفاده شده است. اَنْ يَفْتِنَ الله قوماً اى يبتليهم (فراهمیدی، ۱۴۱۰، ۸/ ۱۲۷). «وَ الْفِتْنَةُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ: الْإِبْتِلَاءُ وَ الْامْتِحَانُ». (طریحی، ۱۳۷۵: ۶/ ۲۹۳، ذیل ماده فتن) فتنه از ماده "فتن" به معنای ابتلا و آزمایش است. همچنین به معنای شیفتگی و شیدایی است (معلوف، ۱۴۰۶: ۵۶۸) فتنه با توجه به معنای ریشه آن، آزمودنی است که با امور به ظاهر زیبا و فریبا صورت پذیرد. مؤید این مطلب به کار رفتن فتنه در برخی آیات (تغابن: ۶ و ۱۵) نیز در لغت درباره مال و فرزندان است (معلوف، ۱۴۰۶: ۵۶۸). خداوند آزمایشی را که از حضرت موسی کرده با این لحن بیان فرموده: «وَ فَتَنَّاكَ فَتُونًا» و این نشان دهنده سختی و دشواری آزمایش است یا آزمایش حضرت ابراهیم؛ «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكُلِّ مَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (بقره: ۱۲۴) او را با اسباب مختلف آزمایش می‌کند. در تورات نیز درباره این که خداوند هر کس را به اندازه ظرف وجودی‌اش می‌آزماید آمده است. «هیچ

تجربه جز آن که مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مفردی نیز می سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید» (قرنیتان اول: ۱۰: ۱۳).

تمحیص از واژگانی است که در قرآن برای امتحان استفاده شده است. تمحیص از ماده «محص» خالص شدن چیزی است از عیبی که در آن هست (راغب، ۱۴۱۲: ۱/ ۷۶۱). تمحیص جان مؤمنین و زدودن ناپاکی از چهره قلب مؤمنان، از یکی از اهداف آزمایش و ابتلاء در قرآن است: «وَلِيْمَحْصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۱): «تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند خالص [و پاک] گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد». در آیه دیگر آمده: «وَلِيْمَحْصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران: ۱۵۴) «و بخاطر آن که آن چه در دل های شما است، خالص [و پاک] گرداند و خدا به [اسرار] درون سینه ها آگاه است». همان طور که بیان شد یکی از واژگان مترادف با آزمایش و امتحان، واژه تمحیص است که در آیه اول تمحیص شامل هر نوع ناپاکی فکری، قلبی و عملی می شود و نمونه بازر آن شرک و بت پرستی است. اما در آیه دوم تمحیص مقید شده به قلب ها و دل ها، شاید به این دلیل باشد که ریشه و مرکز همه ی ناخالصی ها به قلب انسان برمی گردد و به فکر و عمل انسان جریان می یابد و از آن جایی که دل حرم امن الهی است و باید همیشه پاک و پاکیزه باشد. خداوند آن جا را پاک و پاکیزه می گرداند. مصدر «تمحیص» که فعل «یمحص» از آن مشتق است به معنای خالص کردن چیزی است از آمیختگی و ناخالصی هایی که از خارج داخل آن چیز شده و کلمه «محق» به معنای نابود کردن تدریجی یک چیز است و این خالص سازی یکی از خواص مصالح مداوله ایام است. خاصیت دیگرش که قبلاً ذکر شد؛ یعنی معلوم کردن ایمان مؤمنین، چون جداسازی مؤمن از غیر مؤمن یک امر است، و خالص کردن ایمان او از شوائب و ناخالصی های کفر و نفاق و فسق بعد از جداسازی، امری دیگر است و به همین جهت در مقابل محق کفار قرار گرفته، پس خدای سبحان اجزای کفر و نفاق و فسق را کم کم از مؤمن زایل می سازد، تا جز ایمانش چیزی باقی نماند و ایمانش خالص برای خدا شود (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۴۴).

۲. فلسفه سنت آزمایش در قرآن و عهدین

سنت آزمایش الهی با مسأله فطرت و سرشت انسان ارتباط تنگاتنگی دارد و از آن جایی که هدف خداوند از آزمایش رسیدن به کمالات و سعادت بشر است؛ بنابراین باید با سرشت انسان متناسب باشد. یک از ویژگی های فطری بشر اختیار و اراده اوست که از لوازم قطعی در باب آزمایش است، زیرا بدون اختیار، آزمایش بی معناست. سعادت و شقاوت و نظام پاداش و جزا زمانی معنا دارد که انسان مختار باشد و اگر انسان مجبور باشد و خداوند نتیجه عمل او را از قبل تعیین کرده، پس آزمایش کاری عبث و بیهوده است؛ در حالی که خداوند حکیم از هر عبثی مبرا است. بنابراین لازمه پذیرش آزمایش در دنیا، پذیرفتن اختیار و اراده انسان است. از نظر یهود خداوند قادر مطلق است، اما با محدود کردن قدرتش به اراده خود، به انسان آزادی اراده داده است. بنابراین انسان مسؤول اعمال خویش است، اما نه تنها مسؤول اعمال خود که همچنین نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می کند نیز مسؤول است. دین یهود زهد و کناره گیری از دنیا را تعلیم نمی دهد، بلکه زندگی اجتماعی فعال توأم با عشق، راستی، عدالت و مانند این ها را تعلیم می دهد، چون انسان آزاد و مسؤول اعمال خویش است باید او را برای انجام دادن گناهانش مقصر دانست (تیواری، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

در مسیحیت درباره اراده و اختیار انسان دیدگاه های متفاوتی بیان شده است که در این مبحث به نظریه دو اندیشمند مسیحی پرداخته می شود: آگوستین بر ضعف و ناتوانی انسان در امر نجات خویش تأکید می کرد. او در کتاب معروف خود «اعترافات» دعایی دارد: «آن چه را دستور می دهی خود عطا کن، و آن چه می خواهی دستور بده». چنان که در کتاب مقدس آمده است: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید، اراده تو چنان که در آسمان

است بر زمین نیز کرده شود» (متی: ۶: ۹-۱۰) «آن چه اراده توست بشود» (متی: ۲۶: ۴۶). «[عیسی] گفت من از خود هیچ نمی توانم کرد، بلکه چنان که شنیده ام، داوری می کنم و داوری من عادل است؛ زیرا که اراده خود را طالب نیستم، بلکه اراده پدری را که مرا فرستاده است می طلبم» (یوحنا: ۵: ۲۹) این تعالیم به نظر پلاگیوس اراده و مسئولیت انسان را نفی می کرد. پلاگیوس این اعتقاد را رد می کرد که گناه آدم دامن گیر فرزندان او شده و اراده آنان تباه گردیده است. او می گفت همه انسان ها مانند آدم آزاد خلق شده اند و قادرند خوب یا بد را انتخاب کنند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

خداوند انسان ها را می سنجد تا هم ایمان درونی آن ها مشخص گردد و هم میزان تأثیری که می تواند بر محیط بگذارد تعیین شود. و از مهم ترین هدف آزمایش در قرآن تشخیص و انتخاب بهترین راه بیان شده است؛ راهی که مسیر درست رسیدن به کمال را به انسان نشان می دهد. در آیات متعدد خداوند متعال هدف از سخت گیری را جلوگیری از بیراهه رفتن انسان ها و هدایت آنان بیان کرده است: «...وَلَوْ تَأَمَّلُوا لَبَرَحْتُمْ مَعَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف: ۱۶۸): «و آن ها را با نیکی ها و بدی ها آزمودیم، شاید باز گردند.» در واقع نعمت ها و گرفتاری های دنیوی اسباب آزمایش الهی هستند. در این آیه هدف از ابتلا آنان بازگشت به سوی خداست. در اسلام از رجعت و برگشت به سوی خداوند به توبه تعبیر شده است. و لطف و رحمتی از جانب خداوند برای انسان هاست. موسی به قوم گفت: «مترسید زیرا خدا برای امتحان شما آمده است، تا ترس او پیش روی شما باشد و گناه نکنید» (خروج: ۲۰: ۲۰). «هنگامی که آسمان بسته شود و به سبب گناهی که به تو ورزیده باشند باران نبارد، اگر به سوی این مکان دعا کنند و اسم تو را اعتراف نمایند و به سبب مصیبتی که به ایشان رسانیده باشی از گناه خویش بازگشت کنند، آن گاه از آسمان بشنو و گناه بندگان و قوم خود اسرائیل را ببامرز و ایشان را به راه نیکو که در آن باید رفت، تعلیم ده و به زمین خود که آن را به قوم خویش برای میراث بخشیده ای، باران بفرست (پادشاهان اول: ۸: ۳۵ و ۳۶). در آیین یهودیت نیز امکان توبه یا تشووا «teshuvah» (برگشت) که او را به طرف رابطه ای درست با خدا بر می گرداند وجود دارد. (آنترم، ۱۳۹۶، ۵۵) در واقع خداوند برخی از بندگان را که امکان تأدیب و اصلاح دارند، می آزماید تا به واسطه این آزمایش به دنبال راه درست و حقیقی باشند و بتوانند به مسیر واقعی کمال باز گردند.

این سنت در مؤمنین هم جاری است، تا آن ها نیز به کمال خاص خود برسند، و در نتیجه «مؤمن خالص» از «مؤمن غیر خالص» و «خبیث» از «طیب» جدا و متمایز گردد. از آن جایی که هیچ گریزی از سنت ابتلا نیست، باید به خدا و رسولش ایمان آورد تا در راه پاکان قرار گیرید نه در طریق خبیث ها، چیزی که هست ایمان به تنهایی (در ادامه زندگی پاک و سعادت مند و بدنبالش تمامیت اجر) کافی نیست، بلکه عمل صالح لازم دارد تا آن ایمان را به سوی خدا بالا ببرد و پاکی آن را حفظ کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/ ۷۹). در انجیل مثلی آمده این گونه: «و چون گروهی بسیار فراهم می شدند و از هر شهر نزد او می آمدند، مثلی آورده، گفت که برزگری بجهت تخم کاشتن بیرون رفت و وقتی که تخم می کاشت، بعضی بر کناره راه ریخته شد و پایمال شده، مرغان هوا آن را خوردند و پاره های بر سنگلاخ افتاده، چون روید از آن جهت که رطوبتی نداشت خشک گردید» (لوقا: ۸: ۴-۶).

حضرت عیسی (ع) آن را این گونه تفسیر کردند که: «و آنانی که بر سنگلاخ هستند، کسانی می باشند که چون کلام خداوند را می شنوند، آن را به شادی می پذیرند و اینها ریشه ندارند؛ پس تا مدتی ایمان می دارند و در وقت آزمایش، مرتد می شوند.» (لوقا: ۸: ۱۳). بنابراین سنت ابتلاء و آزمایش در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها جریان دارد هیچ فرد و جامعه ای نمی تواند از این امتحانات فرار نمایند. خداوند به منظور اتمام حجت انسان را می آزماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ» (محمد: ۳۱). مراد از دانستن خدای تعالی این نیست که

چیزی را که نمی‌داند بداند، بلکه منظور، بر ملا شدن باطن بندگان و به نظری دقیق‌تر علم فعلی خداست که ربطی به ذات او ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۲۴۴). خداوند با این آزمایش می‌خواهد حال بندگان را برای خودشان معلوم کند تا حجت بر آنان تمام شود. در تورات چنین آمده که با آزمایش انسان تفاوت خود را با حیوانات تشخیص می‌دهد. «و درباره امور بنی‌آدم در دل خود گفتم: این واقع می‌شود تا خدا ایشان را بیازماید و تا خود ایشان بفهمند که مثل بهایم می‌باشند.» (جامعه: ۳: ۱۸) یعنی بعضی افراد با برخی اعمالی که انجام می‌دهند خود را در حد بهایم پایین می‌آورند. و خداوند برای این که آنان را به حال خود آگاه کند آنان را مورد آزمایش قرار می‌دهد. «خوشا به حال کسی که متحمل تجربه شود، زیرا که چون آزموده شد، آن تاج حیاتی را که خداوند به محبان خود وعده فرموده است خواهد یافت.» (یعقوب: ۱: ۱۲). این سنت قشر خاصی را در نظر نگرفته است، بلکه تمام انسان‌ها از لحظه تولد تا مرگ با ابزار متنوع در بوت‌های آزمایش الهی قرار دارند.

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)
 «ما به‌طور حتم و بدون استثناء همگی شما را یا با خوف و یا گرسنگی و یا نقص اموال و جانها و میوه‌ها می‌آزمائیم، و تو ای پیامبر صابران را بشارت ده». «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷) «ما این چیزها را که روی زمین هست، آرایش آن کرده‌ایم تا ایشان را بیازماییم که کدامشان از جهت عمل بهترند». «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال: ۲۸)، «و بدانید که اموال و اولاد شما فتنه است و این که نزد خداوند اجر عظیم است». گستردگی اسباب و عوامل آزمایش به حدی است که نمی‌توان آمار و زمان مشخصی برای آن ذکر کرد، اما حتمیت، کثرت و قطعیت آزمایش و ابتلا به ویژه با بالا رفتن ایمان یا رواج نفاق و کفر و ناسپاسی در جامعه و زندگی فردی ارتباط مستقیم دارد. یعنی خداوند در نقش مربی انسان مواظب تربیت او نیز هست. گاهی بلا می‌فرستد تا بیداری ایجاد شود و گاهی نعمت تا درجه شکرگزاری یا ناسپاسی انسان متجلی شود و ایمان او خالص گردد. برای انسان مومن بلا و نعمت هر دو نسبی است؛ یعنی به همین میزان که به او بلا می‌رسد، صبر پیشه می‌کند و به همان مقدار که نعمت می‌رسد شاکر اوست (جوادی آملی: ۱۳۸۱/۱۰۷) بنابراین ابزار امتحان متنوع است، خداوند با ابزار و وسایل مختلف نوع بشر را در تمام لحظات می‌آزماید تا او به شناخت بهتر خود دست یابد؛ در واقع کشف مجهول برای خود انسان است.

۳. مصورسازی متون دینی

متون دینی به آثاری اطلاق می‌شود که درباره منابع اصلی ادیان مختلف یا پیامبر(ص) و ائمه به رشته تحریر در آمده است. این منابع به علت اهمیتی که دارند مورد توجه هنرمندان و نگارگران در مقاطع مختلف تاریخی بوده‌اند. تألیف نسخ مصور در سرزمین‌های اسلامی از سده ۲ هجری قمری رونق یافت. با روی کار آمدن عباسیان و حمایت ایرانیان، بغداد به عنوان مرکز نگارگری مطرح شد. رواج و تولید انبوه نسخ خطی از قرن ۷ ه.ق. بود. از این دوره تعداد انبوهی نسخ خطی تولید شد که دارای عناصر و تزیینات زیبایی شناختی بوده‌اند (فیضی، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

در مصورسازی کتب خطی، نباید نقش مهم مذهب و متون مذهبی را نادیده گرفت. موضوعات مذهبی از اواخر قرن ۸ ه.ق. در نسخه‌های خطی دیده می‌شود. نقاشی مذهبی و دینی در ابتدای دوران اسلام رشد چندانی نداشت اما با وجود مخالفت‌های بسیار، صحنه‌های دینی و مذهبی در آثار نگارگری دیده می‌شود که از جمله می‌توان به نگاره معراج پیامبر اشاره کرد. در دوره حکومت صفوی مصورسازی متون دینی افزایش یافت. نسخه خاوران نامه که به دلاوری‌های علی(ع) می‌پردازد در این دوره نوشته شده و تألیف ابن حسام خوشفی است. نسخه حمزه نامه نیز به دلاوری‌های حمزه

عمومی پیامبر پرداخته است. در دیگر نسخ مصور این دوره چون روضه الشهداء و سلسله الذهب نیز نگاره‌هایی دیده می‌شود (عرفانی، ۱۳۸۶: ۴۳).

در دوره اسلامی، مصورسازی قرآن نیز رایج بود. تمامی قرآن‌های برجای مانده از این دوره با سرلوح آغاز شده‌اند و در آن نام سوره مکی یا مدنی و تعداد آیات به خط کوفی نوشته شده است و گاهی نیز نقش مایه‌های گیاهی نقش خورده و انحنای یافته دل انگیزی به وضوح از دل حروف کوفی سر بر می‌آورد. در این دوران برای تزیینات حاشیه قرآن از شمشه‌های نوک‌دار، محصور و مملو از اسلیمی‌های زیبا و دل‌انگیز که اصولاً در محور میانی بوده، استفاده می‌شد (پوپ، ۱۳۸۴: ۲۴۰).

از این قرآن‌های مصور برای عموم استفاده نمی‌شد. قرآن‌های مصور دوره سلجوقی دارای سه ویژگی مهم بودند که آنها را از قرآن‌های ادوار پیش متمایز می‌ساخت. استفاده از پوست حیوانات، استفاده از خط نسخ از این مختصات بود. در دوره سلجوقی این خط رواج عمومی یافت و خط کوفی کمتر و در حاشیه استفاده می‌شد (همان، ۲۳۵). بنیادین یکی رایج‌ترین متون دینی در مصورسازی، از قرون نخستین اسلامی، متن قرآن است.

هنرمند در نگارگری از متون قرآنی، مضامین قرآنی را در روند مصورسازی به کار می‌برد. هنرمند از یک سو به بیان هنری و روش‌های تصویر آفرینی موجود در متن و از دیگر سو به زبان تصویری نگارگری توجه نموده که این همگامی به تعامل صورت و محتوا در نگاره مفرد و مرکب و همچنین روش‌های توصیفی، گفتگو، تقابل صحنه‌ها و دعوت به رویت تصویر نموده است (رضاپور مقدم، ۱۳۹۶: ۱).

هنر نگارگری به عنوان یکی از هنرهای سنتی ایران نقش شایانی در گسترش فرهنگ دینی داشته است. در این میان تأثیرپذیری این هنر از معارف اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم غیر قابل انکار بوده و در تلفیق با ذهنیت دینی و خلاقیت هنرمند معتقد، تصویرگر مضامین دینی و موجبات تعالی هنر قدسی است. با این تفاسیر، مصورسازی متون دینی یکی از روش‌های انتقال سریع‌تر مفاهیم و معانی به مخاطبان محسوب می‌شود.

۴. وقایع آزمون‌های الهی در قرآن و عهدین و بازتاب آن در مصورسازی متون دینی

از آن جایی که سنت آزمایش هم سنتی اجتماعی و هم سنتی انفرادی می‌باشد برای تحقق این سنت باید زمینه ارتکاب افعال اختیاری و انتخاب راه و روش برای انسان‌ها فراهم گردد و چیزهایی در دسترس افراد باشد که به وسیله آن آزموده (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). اسباب و وسایل آزمایش متعددند، امت‌ها و افراد بسته به شرایط در بعضی موارد با اسباب مادی و برخی با معنویات مورد آزمایش قرار می‌گیرند؛ چنان‌که در آیه شریفه بیان شده است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (انبیاء: ۳۵). «هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد و شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم و سرانجام به سوی ما باز گردانده می‌شوید». خداوند بندگان خود را به آن‌چه کراهت دارند، از قبیل مرض و فقر و امثال آن، و به آن‌چه دوست دارند، از قبیل صحت و غنی و امثال آن، می‌آزماید (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴۰۶/۱۴) و یا در (بقره: ۱۵۵). «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»: «به‌طور یقین همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جانها و میوه‌ها [فرزندانش] آزمایش می‌کنیم». گاهی کم شدن مال و محصولات یا پیدا شدن خوف و ترس و سایر مشکلات، به خاطر آزمایش الهی است، ولی در بعضی اوقات، این امور کیفر اعمال خود انسان‌هاست،

انسان‌ها گاهی مرتکب بعضی گناهان می‌شوند که خداوند آن‌ها را به برخی گرفتاری‌ها مبتلا می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۴۰/۱).

حضرت علی (ع) با بیانی شیوا در نهج‌البلاغه فرمودند: خداوند روزی گسترده را با فقر و بیچارگی درآمیخت و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد، دوران سرور را با اندوه نزدیک ساخت، اجل و سرآمد زندگی را مشخص کرد و آن را گاهی طولانی و زمانی کوتاه قرار داد تا آزمایش شوید (دستی، ۱۳۸۰: ۱۶۹)، بنابراین با نگاه کلی می‌توان تمامی نعمت‌های مادی و معنوی و همه گرفتاری‌ها و بلاها را از ابزار و وسایل امتحان الهی برشمرد. برخی مواضع در متون یهودی، وجود شر و بلا به‌عنوان آزمایشی برای ایمان توصیف می‌شود. در حقیقت خداوند می‌خواهد از طریق رنج و آلام، ژرفای ایمان افراد را نسبت به خود اندازه بگیرد؛ چنین دیدگاهی در خود داستان رنج و آلام طولانی قوم یهود نهفته است. یهودیان همه رنجی را که گه‌گاه در دوره‌های مختلف تاریخ متحمل شدند به خود یهوه نسبت می‌دهند، اما معتقدند او تنها برای آزمایش ایمان آنان این همه رنج‌ها و مصائب را برای آنان نازل کرد. کتاب ایوب، رنج و آلام بی‌دلیل ایوب را برای محک زدن صداقت او تبیین می‌کند. به همین سان، نیایش حسیدی را هم به‌عنوان رازی نشان می‌دهد که اندیشه آدمی قاصر از حل آن است و هم به‌عنوان چیزی که ایمان انسان مؤمن را به بوته آزمایش می‌گذارد «خداوند! به من نگو که چرا رنج می‌کشم، زیرا بدون شک برای شناخت علت آن شایستگی ندارم، اما کمک کن تا باور کنم به خاطر توست که رنج می‌برم» (تیواری، ۱۳۹۶، ۱۱۵).

در ذیل نمونه‌هایی از این سنن بر قوم یهود که خود را قومی برگزیده می‌دانند را بر می‌شماریم: مال و ثروت فرزند یکی از نمونه‌های آزمایش قوم یهود است. «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن: ۱۵) در تفسیر این آیه آمده است که کلمه «فتنه» به معنای گرفتاری‌هایی است که جنبه آزمایش دارد، و آزمایش بودن اموال و فرزندان به خاطر این است که این دو نعمت دنیوی از زینت‌های جذاب زندگی دنیا است، نفس آدمی به سوی آن دو آن چنان جذب می‌شود که از نظر اهمیت همپایه آخرت و اطاعت پروردگارش قرار داده، رسماً در سر دو راهی قرار می‌گیرد، و بلکه جانب آن دو را می‌چرباند، و از آخرت غافل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹: ۳۰۸). در تورات نیز در باب امتحان ایوب آمده است که: خداوند به شیطان گفت: «آیا در بنده من ایوب تفکر کردی که مثل او در زمین نیست؟ مرد کامل و راست و خداترس که از گناه اجتناب می‌کند!» شیطان در جواب خداوند گفت: «آیا ایوب مجانناً از خدا می‌ترسد؟ آیا تو گرد او و گرد خانه او و گرد همه اموال او، به هر طرف حصار نکشیدی و اعمال دست او را برکت ندادی و مواشی او در زمین منتشر نشد؟ لیکن الان دست خود را دراز کن و تمامی مایملک او را لمس نما و پیش روی تو، تو را ترک خواهد نمود» (ایوب: ۱: ۹-۱۱).

ایوب در ابتدا در جواب همسرش که او را سرزنش می‌کند می‌گوید: و زنش او را گفت: آیا تا به حال کاملت خود را نگاه می‌داری؟ خدا را ترک کن و بمیر! او وی را گفت: مثل یکی از زنان ابله سخن می‌گویی! آیا نیکویی را از خدا بیابیم و بدی را نیابیم؟ در این همه، ایوب به لب‌های خود گناه نکرد (ایوب، ۲: ۹-۱۰). در تصویر ۱، صحنه نجات حضرت یوسف از چاه و پایان یافتن صبر ایوب منعکس شده است.



تصویر ۱: نگاره نجات یوسف از چاه از کتاب هفت اورنگ جامی. (منبع: لونی و همکاران، ۱۳۹۲)

در حقیقت در مصورسازی این داستان قرآنی، آغاز و انجام آزمایش الهی برای حضرت ایوب و حضرت یوسف و وقایع مربوط به آن به تصویر کشیده شده است.

بسیاری از برکاتی که خداوند به انسان عطا می‌کند، در واقع اسباب و لوازم امتحان او هستند. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) «اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند، برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم...». "برکات" به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد. افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۰۱). «تا آزمایش ایمان شما، که از طلای فانی با آزموده شدن در آتش، گرانبهاتر است، برای تسبیح و جلال و اکرام یافت شود در حین ظهور عیسی مسیح» (رساله اول پطرس: ۱: ۷). «سخنان آن نبی یا بیننده خواب را مشنو، زیرا که یهوه، خدای شما، شما را امتحان می‌کند، تا بداند که آیا یهوه، خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود محبت می‌نمایید؟» (تثنیه: ۱۳: ۳). بنابراین اگر ایمان افراد نسبت به خداوند تقویت شود، به‌عنوان مجرای برای دریافت برکات الهی می‌گردد در غیر این صورت عذاب خداوند بر عموم افراد جامعه مستولی می‌گردد.

کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان از دیگر موارد ابتلای قوم یهود است. «وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره: ۴۹). «و چون از فرعونیان نجاتتان دادیم که بدترین شکنجه‌ها را به شما می‌دادند و آن این بود که پسرانتان را سر می‌بردند و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند و در این کارها بلائی بزرگ از پروردگار شما بود». در آیه ۱۴۱ اعراف از بلا به امتحان الهی تعبیر شده است. قرآن آنچه را فرعونیان با بنی اسرائیل می‌کردند، بلا و آزمایشی از جانب خداوند می‌داند. «وَ لَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ * مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ * وَ لَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ * وَ آتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ» (دخان: ۳۰-۳۳). «و در عین همین احوال بنی اسرائیل را از غذایی خوار کننده نجات دادیم * از فرعون که مردی بلند پرواز و از اسرافگران بود * و ما بنی اسرائیل را با علم و اطلاع بر عالمیان آن روز برگزیدیم * و از آیات چیزهایی به آنان دادیم که در آن آزمایشی روشن بود» در این آیه بلا به معنی آزمایش و امتحان است. «و پادشاه مصر به قابله‌های عبرانی که یکی را شِفَرَه و دیگری را قُوعَه نام بود، امر کرده، گفت: چون قابله‌گری برای زنان عبرانی بکنید، و بر سنگ‌ها نگاه کنید. اگر پسر باشد او را بکشید، و اگر دختر بود زنده بماند» (خروج: ۱: ۱۵ و ۱۶). «و فرعون قوم خود را امر کرده، گفت: هر پسری که زاییده شود به نهر اندازید، و هر دختری را زنده نگاه دارید» (خروج: ۱: ۲۲).

ابتلای با نهر آب از موارد ابتلای قوم یهود است. «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۲۴۹). «و همین که طالوت سپاهیان را بیرون برد، گفت خدا شما را با نهری امتحان کند، هر که از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن ننوشد از من است، مگر آن کس که با مشتش خود کفی بردارد و لبی تر کند و از آن همه لشکر به جز اندکی، همه نوشیدند و همین که او با کسانی که ایمان داشتند از شهر بگذشت، گفتند امروزه ما را طاقت جالوت و سپاهیان وی نیست آنها که یقین داشتند به پیشگاه پروردگار خویش می‌روند. گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به خواست خدا بر گروهی بسیار غلبه کرده‌اند و خدا پشتیبان صابران است». خداوند به جدعون گفت: باز هم قوم زیاده‌اند؛ ایشان را نزد آب بیاور تا ایشان را آنجا برای تو بیازمایم، و هر که را به تو گویم این با تو برود، او همراه تو خواهد رفت، و هر که را به تو گویم این با تو نرود، او نخواهد رفت. «و چون قوم را نزد آب آورده بود، خداوند به جدعون گفت: «هر که آب را به زبان خود بنوشد، چنان که سگ می‌نوشد، او را تنها بگذار، و همچنین هر که بر زانوی خود خم شده، بنوشد» و عدد آنانی که دست به دهان آورده، نوشیدند، سیصد نفر بود؛ و جمیع بقیه قوم بر زانوی خود خم شده، آب نوشیدند و خداوند به جدعون گفت: «به این سیصد نفر که به کف نوشیدند، شما را نجات می‌دهم، و مدیان را به دست تو تسلیم خواهم نمود. پس سایر قوم هر کس به جای خود بروند» (داوران، ۷: ۴-۷). سعادت نوع بشر اتفاق نمی‌افتد مگر با اجتماع و هماهنگی و این هماهنگی صورت نمی‌گیرد، مگر این که مطیع امر واحده‌ای باشند؛ مطیعی که با اعتماد کامل در پیش‌برد اهداف جمع گام بردارد، نه این که مانند سربازان طالوت دچار نفاق شده و ایمانشان به سستی گراید و جز عده‌ی کمی با یقین با او پیش رفتند. خداوند افراد جامعه را این گونه می‌آزماید که در اطاعت از پیامبر و رهبر جامعه چقدر ثابت‌قدم و محکم بوده که حاضرند از خواسته‌های خود گذشته و از فرامین او اطاعت کرده تا یک پیوستگی منظمی بوجود آید که اگر اجزای نظام به یکدیگر مرتبط نشوند، عموماً نظامی اجتماعی شکل نمی‌گیرد.

گوساله پرستی نیز از موارد ابتلای قوم یهود در قرآن است. «قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه: ۸۵). «فرمود: ما از پی تو قومت را امتحان کردیم و سامری گمراهشان کرد» و در تفسیر قمی در ذیل آیه فانا قد فتنا قومک من بعدک از امام نقل کرده که فرمود: فتنه به معنای آزمایش است؛ یعنی ما قوم تو را بعد از تو امتحان کردیم و سامری ایشان را گمراه کرد فرمود: یعنی به وسیله گوساله‌ای که پرستیدند گمراه کرد و سبب آن این بود که وقتی خدای تعالی به موسی وعده داد که تورات و الواح را تا سی روز دیگر بر او نازل می‌کند، به بنی‌اسرائیل مژده داد و گفت که برای گرفتن تورات سی روز به میقات می‌روم، برادر خود هارون را جانشین خود کرد، سی روز تمام شد و موسی نیامد. بنی‌اسرائیل سر به طغیان نهاده و از فرمان هارون بیرون شدند و خواستند تا او را بکشند، می‌گفتند: موسی دروغ گفته و از ما فرار کرده، در این میان ابلیس به صورت مردی نزد ایشان آمد و گفت: موسی از شما فرار کرده و دیگر تا ابد بر نمی‌گردد، برای این که بدون خدا نمانید، زیورهایتان را جمع کنید تا برایتان معبودی بسازم که عبادتش کنید (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۲۸۰). «و خداوند قوم را مبتلا ساخت زیرا گوساله‌ای را که هارون ساخته بود، ساخته بودند» (تورات: خروج: ۳۲: ۳۵). خداوند در بازه‌ی زمانی که موسی در جمع بنی‌اسرائیل نبود، با این آزمایش میزان ایمان بنی‌اسرائیل را سنجید و در واقع این کار تفکیکی بود بین مؤمنان واقعی و مدعیان ایمان که با وجود این که بارها شاهد معجزه موسی بودند، اما باز هم در دل‌هایشان ثباتی وجود نداشت. آنان با این کار فقط به خودشان ظلم کردند؛ همان‌طور که در قرآن به این نکته به صراحت بیان شده است. «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره: ۵۱) و این نشان دهنده‌ی سابقه‌ی بد بنی‌اسرائیل نیز هست. آنان در موقعیت‌های مختلف از موسی بت خواسته بودند (اعراف: ۳۸). در واقع خداوند با این آزمایش می‌خواست هم باطن افرادی از بنی‌اسرائیل که اعتقاد فرعون‌ی در درونشان بود را رسوا کند و هم با مجازات بعد آنان که کشتن همدیگر بود راه ارتداد آنان را ببندد. چرا که آنان با درخواست دیدن خداوند این پیش زمینه را داشتند. در تصویر شماره ۲ ابتلای قوم یهود به این امتحان الهی ترسیم شده است.



تصویر ۲: نگاره پرستش گوساله توسط قوم یهود. (منبع: www.jecnter.ir)

ابتلای قوم یهود با معجزه از موارد آزمایش آنها در قرآن است. «وَآتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَوٌ مُّبِينٌ» (دخان: ۳۳) «و از آیات چیزهایی به آنان دادیم که در آن آزمایشی روشن بود» یا آمده است: «وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ» (اعراف: ۷۳) «و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم) گفت: ای قوم! خدای یگانه را که جز او خدایی ندارید بپرستید، که شما را از پروردگارتان حجتی آمد، این شتر خدا است که معجزه‌ای برای شما است» و یا در آیه «وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ» (اعراف: ۸۵). «و به سوی مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، (او به قوم خود) گفت: ای قوم! خدای یگانه را که جز او خدایی ندارید بپرستید، برهانی از پروردگارتان به سوی شما آمده (و حجت بر شما تمام شده)» در هر دو آیه خداوند به همراه پیامبرش حجت و نشانه پیامبری که همان معجزه الهی است را ارسال کرده تا حجتی باشد برای راستی گفتار آنان و این که از آنان خواسته شده تا از اوامر خداوند اطاعت کرده و او را به درستی عبادت کنند. تصویر ۳، معجزه حضرت موسی برای قوم یهود را به تصویر کشیده است.



تصویر ۳: نگاره رقابت حضرت موسی با ساحران از فالنامه. (منبع: پایدارفرد و همکاران: ۱۳۹۷).

نگاره بالا با به تصویر کشیدن متن قرآن بالا از وقایع مربوط سبب ماندگاری و ملموس شدن این وقایع شده است. خداوند به موسی گفت: «تا به کی این قوم مرا اهانت نمایند؟ و تا به کی با وجود همه آیاتی که در میان ایشان نمودم، به من ایمان نیاورند؟» (اعداد: ۱۴:۱۱). «چون که جمیع مردانی که جلال و آیات مرا که در مصر و بیابان نمودم دیدند،

مرا ده مرتبه امتحان کرده، آواز مرا نشنیدند» (اعداد: ۱۴: ۲۲). تصویر ۴، نگاره تبدیل عصای حضرت موسی به مار است.



تصویر ۴: نگاره معجزه موسی از فالنامه شاه طهماسبی. (منبع: پایدارفرد و همکاران: ۱۳۹۷).

درباره معجزات حضرت موسی و عیسی در کتاب مقدس به تفصیل بیان شده که در این جا به دلیل محدودیت نوشتاری به اختصار اشاره می‌شود. شفای بیماران لاعلاج، غذا دادن با دو ماهی و پنج نان جو به پنج هزار نفر، تبدیل آب به شراب، راه رفتن روی آب، شفای کور مادرزاد، زنده کردن مرده و ... این‌ها برخی از معجزات حضرت عیسی است که در انجیل وارد شده است. تبدیل شدن عصا به اژدها در تورات از معجزات هارون برادر حضرت موسی است و یا زدن عصا بر سنگ و جوشیدن چشمه از معجزات حضرت موسی برای بنی‌اسرائیل هست و در کنار این‌ها بلاهایی که بر سر فرعونیان آمد معجزاتی بود نشان دهنده قدرت خداوند به دست موسی بود مانند: بلای وزغ، تبدیل شدن آب به خون، بلای پشه، بلای مگس، بلای بر مواشی (یعنی وبایی بسیار سخت بر اسبان و الاغان و شتران و گاو و گوسفندان) بلای دمل‌ها، بلای تگرگ، بلای ملخ‌ها، بلای تاریکی، ... این‌ها نمونه معجزاتی بود که خداوند بر فرعونیان وارد کرد و بنی‌اسرائیل شاهد این معجزات بودند.

آزمایش قوم یهود با چهل سال سرگردانی در بیابان از موارد ابتلای آن‌ها به سنن الهی است. در قرآن آمده است: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده: ۲۶). «خداوند تعالی فرمود: به جرم این نافرمانیشان دست یافتن به آن سرزمین تا چهل سال بر آنان تحریم شد؛ در نتیجه چهل سال در بیابان

سرگردان باشند و تو برای این قوم عصیانگر هیچ اندوه مخور». «و به یاد آور تمامی راه را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را ذلیل ساخته، بیازماید، و آنچه را که در دل تو است بداند، که آیا اوامر او را نگاه خواهی داشت یا نه» (تثنیه: ۸: ۲). علامه طباطبایی در رابطه با حرمت زمین مقدس چنین بیان می‌کند: ضمیر در کلمه "فانها" به ارض مقدس بر می‌گردد، و مراد از این جمله که فرمود: آن سرزمین محرم شده، حرمت شرعی نیست، بلکه منظور حرمت تکوینی است؛ یعنی خدای تعالی (به خاطر سر پیچی بی‌ادبانه و بی‌شرمانه که کردید) چنین مقدر فرموده که تا چهل سال نتوانید داخل آن سرزمین شوید و گرفتار سرگردانی گردید. خداوند برای آنان چنین مقدر کرده است به دلیل عصیان و فسق آنان باید چنین عذابی را متحمل شوند و به موسی می‌فرماید: که پس ای موسی دل تو به حال این مردمی که به قول خودت فاسقند، نسوزد و غمشان را مخور که مبتلا به این عذاب یعنی عذاب سرگردانی شده‌اند برای این که اینها فاسقند، و نباید در باره مردم فاسق وقتی که وبال فسق خود را می‌چشند محزون شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/ ۲۹۴ و ۲۹۵). در قرآن خداوند قوم بنی اسرائیل را به دلیل نافرمانی از دستورات الهی چهل سال در بیابانی که به اندازه چهار فرسخ بوده سرگردان کرده، در حالی که با آبادی بعدی مسافت اندکی داشتند اما به خواست خداوند چنان سرگردان بودند که کل شبانه روز را در پی یافتن راهی برای نجات بودند اما صبح روز بعد متوجه می‌شدند فقط به دور خود چرخیدند. در تورات نیز خداوند این سرگردانی را آزمایشی برای انجام اوامر الهی بیان کرده است.

آزمایش با با منع ماهی‌گیری در روز شنبه نیز از موارد ابتلای یهود به آزمایش الهی است. در این باره آمده است: «و سَلَّمَهُمْ عَنِ الْفَرِيَّةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (اعراف: ۱۶۳) «ایشان را از دهکده‌ای که نزدیک دریا بود بپرس، چون به حرمت شنبه تعدی کردند چون ماهی‌هایشان روز شنبه دسته دسته سوی ایشان می‌آمدند، و روزی که شنبه نمی‌گرفتند نمی‌آمدند، بدینسان به سزای آن عصیان که می‌کردند مبتلایشان می‌کردیم». یا آمده است: «فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (اعراف: ۱۶۶). «وقتی از آن چه نهی شده بودند، سرپیچیدند گفتیمشان بوزیگان مطرود شوید». در تورات نیز بر منع کار کردن در روز شنبه تأکید شده و از جانب خداوند یا یهوه نشانه و آیتی است برای قداست شمردن خداوند و مجازات آنان با گرفتن جانسان است. «و تو بنی اسرائیل را مخاطب ساخته، بگو: البته سبب‌های مرا نگاه دارید. زیرا که این در میان من و شما در نسل‌های شما آیتی خواهد بود تا بدانید که من یهوه هستم که شما را تقدیس می‌کنم. پس سبب را نگاه دارید، زیرا که برای شما مقدس است، هر که آن را بی‌حرمت کند، هر آینه کشته شود، و هر که در آن کار کند، آن شخص از میان قوم خود منقطع شود. شش روز کار کرده شود، و در روز هفتم سبب آرام و مقدس خداوند است. هر که در روز سبب کار کند، هر آینه کشته شو». (خروج: ۳۱: ۱۳-۱۵).

آنگاه خداوند به موسی گفت: «همانا من نان از آسمان برای شما بارانم، و قوم رفته، کفایت هر روز را در روزش گیرند، تا ایشان را امتحان کنم که بر شریعت من رفتار می‌کنند یا نه» (خروج: ۱۶: ۴). «این است امری که خداوند فرموده است، که هر کس به قدر خوراک خود از این بگیرد، یعنی یک عومر برای هر نفر به حسب شماره نفوس خویش، هر شخص برای کسانی که در خیمه او باشند بگیرد. پس بنی اسرائیل چنین کردند، بعضی زیاد و بعضی کم برچیدند. اما چون به عومر پیمودند، آن که زیاد برچیده بود، زیاده نداشت، و آن که کم برچیده بود، کم نداشت، بلکه هر کس به قدر خوراکش برچیده بود و موسی بدیشان گفت: «زنهار کسی چیزی از این تا صبح نگاه ندارد». لکن به موسی گوش ندادند، بلکه بعضی چیزی از آن تا صبح نگاه داشتند. و کرم‌ها به هم رسانیده، متعفن گردید، و موسی بدیشان خشمناک

شد (خروج: ۱۶: ۱۶-۲۰). در تورات روز سبت روز مقدسی است که کار کردن و حتی غذا پختن هم در آن روز حرام است و چنان با قاطعیت بر این قانون پایبند بودند که با افراد متخلف با بدترین مجازات برخورد می‌شد چون بنا بر اعتقاد یهود خداوند شش روز از هفت روز را به کار آفرینش آسمان‌ها و زمین پرداخته. در روز هفتم که کار تمام شده، استراحت کرده پس بر بنی‌اسرائیل به عنوان قوم برگزیده خود واجب کرده است که دست از کار و فعالیت کشیده و به استراحت بپردازند. حتی در زمان حضرت موسی که خداوند من و سلوی را از آسمان نازل می‌کرد غذای روز هفتم در روز ششم نازل می‌شد و آنها باید غذای روز هفتم خود را ذخیره می‌کردند. البته در قرآن این دستور به ترک ماهیگیری صرفاً برای آزمایش بنی‌اسرائیل بوده که تا چه اندازه مطیع اوامر الهی هستند و همان‌طور که قرآن بیان می‌کند سرانجام عاصیان و متخلفان از دستور خداوند تبدیل شدن به بوزینه است و خداوند این چنین با قاطعیت عصیان‌گران برخورد می‌کند چرا که بنی‌اسرائیل قومی لجوج و نافرمان بوده که بارها در آزمایشات الهی مردود شده بودند و خداوند هم برای این که نتیجه سرکشی آنان را برایشان به‌طور مشهود به نمایش بگذارد و هم درس عبرتی برای نسل‌های بعد باشند این گونه آنان را مجازات کرد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: گاه در بیابان «سینا» و در وادی «تیه» ابرها را بر سر آن‌ها سایه‌افکن ساختیم، گاه مائده مخصوص «من» و «سلوی» را بر آن‌ها نازل کردیم، گاه از دل سنگ سخت چشمه آب برای آن‌ها جاری نمودیم، و گاه نعمتهای معنوی و مادی دیگری نصیبشان کردیم. اما همه اینها برای آزمایش و امتحان بود، زیرا خداوند گروهی را با مصیبت آزمایش می‌کند و گروهی را با نعمت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/ ۱۸۵) «و ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (بقره: ۵۷) «و ابر را سایبان شما کردیم و ترنجبین و مرغ بریان برای شما فرستادیم و گفتیم از چیزهای پاکیزه که روزیتان کرده‌ایم بخورید، و این نیاکان شما به ما ستم نکردند بلکه بخودشان ستم می‌کردند». شریعت مقدس اسلام، چنان که از اسمش پیداست، دین تسلیم و رضا در برابر خواست خدای متعال است. و هدف همه پیامبران الهی نیز این بوده که جامعه بشری را در برابر فرمان خدا تسلیم کرده، به قضا و قدرش راضی نماید (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۷). انسان موحد هرچند این امر معقول را می‌پذیرد که در دایره اختیار و قدرت محدود خود باید برای جریان و پیشرفت زندگی خود از خرد و نیروی جسمی و فکری بهره‌مند شود و یا تدبیر و اندیشه و استفاده از وسائل به کار و کوشش پردازد، ولی بالاخره با آگاهی خود به این واقعیت می‌رسد که در دنیا امور وسایلی نیز وجود دارد که مدیریت و تدبیرش از محدوده فکر و توان بشر خارج است و فقط مشیت خداوند می‌تواند کار ساز باشد. از این‌رو تکیه‌گاه خود را مسبب‌الاسباب دانسته و با اعتماد بر او به کار می‌پردازد (نوری، ۱۳۸۴، ۴۲۹). با این تفاسیر در قرآن و عهدین به‌طور مکرر مواردی از ابتلای انسان به سنن الهی به چشم می‌خورد که در اشکال مالی و معنوی نمود یافته‌اند.

نتیجه‌گیری

تربیت افراد جامعه و شخصیت‌سازی از گام‌های نخستین ادیان مختلف به خصوص دین اسلام است. یکی از محورهای تربیت عملی اشخاص جامعه آموختن آن‌ها به سنن الهی است. سنت آزمایش از سنت‌های قطعی و حتمی خداوند است که به منظور بروز و شکوفایی استعدادهای درونی آدمی صورت می‌گیرد. این سنت زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان دارای اختیار و اراده باشد و گرنه اگر بحث جبر در میان باشد اجرای این سنت کاری عبث و بیهوده است؛ در حالی که ذات باری تعالی از آن منزّه می‌باشد. امتحان یک سنت دائمی و عمومی است که در تمام زمان‌ها و برای تمام بشریت حتی پیامبران نیز جاری است، این سنت در تمام ادیان وجود دارد. خداوند در اجرای آن ضعف و قدرت بنده‌ی خود را

در نظر می‌گیرد و به اندازه تکفل او، انسان را می‌آزماید، بنابراین شکل و اسباب آن متفاوت است؛ مانند: مال و دارایی، ذبح فرزندان، غذای آسمانی و ... این سنت برای کشف مجهول برای خداوند نیست بلکه برای ظهور افعال و نیت درونی بندگان است تا بر خودشان اثبات گردد از طرفی دیگر انسان‌ها با توجه به اعمالی که برگرفته از اختیار آنان باشد، مستوجب پاداش یا کیفر الهی می‌شوند؛ پس بهترین پشتمانه‌ی انسان برای رسیدن به تعالی و کمال و سر بلند شدن از این سنت است. این رویکرد در عهدین قوم یهود نیز منعکس شده است و حاکی از اشتراک مذاهب الهی در شخصیت‌سازی و تربیت فردی و اجتماعی افراد جامعه است. بررسی‌ها از آثار هنری که وجود دارد نشان می‌دهد بسیاری از این وقایع به عنوان الگوی یا محتوای قابل انتقال برگزیده شده و مصورسازی شده اند، به‌طوری‌که متن قرآن درباره سرنوشت بسیاری از پیامبران و وقایع مربوط به قوم یهود نقاشی شده است و امروزه موجود می‌باشد و سهم مهمی در انتقال مفاهیم موجود در وقایع مربوط به آزمون‌های الهی داشته است.

منابع:

کتاب‌ها:

- آنترم، الن. (۱۳۹۶). باورها و آیین‌های یهودی. ترجمه رضا فرزین، چاپ چهارم، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- الهامی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۵). سیره اخلاقی معصومین. قم: زمزم هدایت.
- پوپ، آرتور. (۱۳۸۶). شاهکارهای هنر ایران. اهتمام پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی و فرهنگی.
- تیواری، کدازنات. (۱۳۹۶). دین‌شناسی تطبیقی. ترجمه دکتر مرضیه (لوئیز) شنکایی، چاپ سوم، تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). تفسیر تسنیم. دوره چند جلدی، قم: اسرا.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، به کوشش عبدالغفور العطاری، جلد ششم، بیروت: دارالعلم للملایین.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۰). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات مشهور.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالعلم.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم. (۱۳۹۳). درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت. چاپ سوم، قم: کتاب طه.
- شرتونی، سعید. (۱۳۸۶). اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد، قم: منشورات مکتبه المرعشی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عسکری، ابوهلال حسن ابن عبدالله؛ الجزایری، نو الدین. (۱۴۱۲ ق). معجم الفروق اللغویه، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- غفاری، ابوالحسن. (۱۳۸۵). سنت امتحان در زندگی انسان. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق). کتاب العین. چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چاپ ششم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معلوف، لوئیس. (۱۴۰۶ق). المنجد فی اللغة و الاعلام . بیروت: دارالمشرق.
- معموری، علی. (۱۳۸۹). «بررسی سنت استدراج در قرآن و میراث تفسیری». نشریه علوم قرآن و حدیث، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مهیاری، رضا. (بی تا). فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، بی جا: بی نا.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- نوری، محمدرضا. (۱۳۸۴). بهداشت در قرآن، مشهد: انتشارات واقفی.

مقالات:

- پاکزاد، عبدالعلی. (۱۳۸۷). ابتلا و آزمایش در قرآن. تهران: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۴ و ۵۵، صص ۳۷۷-۳۴۲.
- پایدارفرد، آرزو. (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمانی مدل آزمون در ۲ نگاره ردودرویی حضرت موسی(ع) و ساحران از فالنامه صفویه». دو فصلنامه هنرهای صناعی اسلامی. شماره ۱، ۹۷-۸۵.
- پیروزفر، سهیلا. (۱۳۷۸). ابتلا در قرآن و حدیث. مطالعات اسلامی، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱۲۸-۸۹.
- رضاپور مقدم، رویا. (۱۳۹۶). «آفرینش و بیان هنری در قرآن و بازنمود آن در نگارگری»، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای کاربردی در مطالعات زبان.